

نقاشی‌های مچاله

پیتر اچ. رینولدز

مترجم: محبوبه نجف‌خانی





خواهر کوچولویش، ماریسول، داشت
نگاهش می کرد.
رامون داد زد: «چی؟ چی می خواهی؟»